

مقاله‌ی پژوهشی

بررسی دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به عنوان پیش‌بین در ابتلا به حالت تهوع و استفراغ و شدت آن در بیماران مبتلا به سرطان پستان

خلاصه

مقدمه حالت تهوع و استفراغ ناشی از شیمی‌درمانی از زجرآورترین عوارض این درمان برای بیماران سرطانی می‌باشد. به غیر از عوامل دارویی، عوامل غیر دارویی از جمله عوامل روان‌شناختی مثل هیجان و تنظیم هیجان در بروز و شدت این عارضه جانبی تاثیرگذار است. تنظیم هیجان از اصلی‌ترین عواملی است که سبب بروز رفتارهای متفاوت در افراد در پاسخ به شرایط می‌شود. هدف از این مطالعه، بررسی دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به عنوان پیش‌بین در ابتلا به حالت تهوع و استفراغ ناشی از شیمی‌درمانی و شدت آن در بیماران مبتلا به سرطان پستان می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه‌ی توصیفی به روش همبستگی از مهر ۱۳۹۱ تا بهمن ۱۳۹۱، ۳۰۰ نفر از بیماران سرطان پستان مراجعه‌کننده به کلینیک رضا و بیمارستان امید و قائم مشهد از طریق نمونه‌گیری در دسترس، پرسش‌نامه‌ی دشواری در نظم‌بخشی هیجانی و به منظور بررسی حالت تهوع و استفراغ پرسش‌نامه‌ی بررسی تهوع و استفراغ مورو را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و تحلیل عاملی رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از طریق دشواری در نظم‌بخشی هیجانی می‌توان شدت تهوع و استفراغ ($P < 0/01$) و ابتلا به حالت تهوع و استفراغ را نیز پیش‌بینی کرد ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها، به نظر می‌رسد که دشواری در نظم‌بخشی هیجانی، قادر به پیش‌بینی ابتلا و شدت تهوع و استفراغ در بیماران مبتلا به سرطان پستان تحت شیمی‌درمانی است.

واژه‌های کلیدی: استفراغ، تهوع، سرطان پستان، شیمی‌درمانی، نظم‌بخشی،

هیجان

*یاسمن آشخانه

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی،

دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

جواد ملازاده

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

عبدالعزیز افلاک‌سیر

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

محمد علی گودرزی

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

فاطمه همایی شاندریز

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

*مؤلف مسئول:

دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه

شیراز، شیراز، ایران

yashkhane@yahoo.com

تاریخ وصول: ۹۳/۲/۱

تاریخ تایید: ۹۳/۹/۱۸

پی‌نوشت:

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی بوده که بدون حمایت مالی و یا ارتباط با منافع نویسندگان انجام شده است. از دانشگاه شیراز و اعضای کمیته‌ی پایان‌نامه و دانشگاه علوم پزشکی مشهد و تمام بیماران، تشکر می‌شود.